فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، بهار ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۲۱۹-۲۰۳

تحلیل نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در توانمندسازی زنان روستایی مورد: اعضای نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات

علی اکبر عنابستانی*؛ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
طاهره صادقلو؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
کبریا مرادی؛ دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

دریافت مقاله:۱۳۹۶/۳/۳۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

چکیده

مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف در راستای توسعه روستایی نقش مؤثری دارد، این نیاز احساس می‌شود که زنان روستایی باید در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند. از راهکارهای مناسب در جهت بکارگیری مشارکت زنان، ایجاد تشکل‌ها و تعاونی‌های مخصوص زنان است؛ موفقیت این تشکل‌ها تحت الشعاع عوامل بسیاری است که مدیریت طرح‌های تشکل‌های زنان روستایی و عملکرد آنها، یکی از عوامل موثر است. بر این اساس هدف از مطالعه حاضر، بررسی نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه از طریق نظام صنفی کشاورزی و اثرگذاری آن در تحقق اهداف طرح‌های خوداشتغالی یعنی در توانمندسازی زنان است. به لحاظ روش شناختی این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی – تحلیلی است. جامعه آماری پژوهش را زنان کارآفرین عضو نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات که دارای ۱۱۳ عضو بوده، تشکیل می‌دهند. حجم نمونه به کمک فرمول کوکران ۷۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیر توانمندسازی با آماره پیرسون ۰/۷۹۶ با متغیر مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه دارای رابطه‌ای مستقیم با شدتی قوی بوده است بدین معنا که هرچه نقش مدیریت پروژه‌های‌کارآفرینانه افزایش یابد، توانمندی زنان کارآفرین نیز بیشتر خواهد شد.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، توانمندسازی، خود اشتغالی، کارآفرینی، نظام صنفی کشاورزی، شهرستان محلات.

* anabestani@um.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

امروزه بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر نیست (منفرد، ۱۳۹۵ :۱۸). بنابر تحقیقات انجام شده در فائو، بیش از ۷۵ درصد از جمعیت فقرای کشورهای جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و این در حالی است که ۷۰ درصد از جمعیت فقرای کشورهای جهان را زنان تشکیل می‌دهند (صیدایی و صادقی،۱۳۹۳: ۱۶۰).

یکی از زمینه‌هایی که زنان روستایی می‌توانند از ظرفیت‌های فکری و توانایی‌های بالقوه خود استفاده کنند و جامعه روستایی را از ثمرات تلاش‌های خود بهرمند سازند، کارآفرینی است (موحدی و یعقوبی فرانی،۱۳۹۱: ۱۸۲). از عمده‌ترین موضوعاتی که زنان کارآفرین برای کسب موفقیت در انجام فعالیت‌های خود اشتغالی بدان نیاز دارند، ایجاد توانمندی در خویش است و از راهکارهای توانمندسازی زنان، تشکل‌ها و تعاونی‌های زنان هستند (منفرد، ۱۳۹۵ :۱۸).

تعاونی بهترین سازوکار مشارکت مردمی در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود که توانایی ایجاد اشتغال و معیشت پایدار برای اقشار آسیب‌پذیر و کم درآمد روستایی را دارد. تعاونی‌ها می‌توانند منشأ کارآفرینی و توسعه آن باشند و با افزایش اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت اقتصادی اعضای خود، گام مؤثری در راستای توسعه روستاها بردارند (ده حقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). با توجه به اینکه زنان روستایی، بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی جهان را تشکیل می‌دهند. سهم این گروه در فعالیت‌های تولیدی و کشاورزی در کشورهای توسعه یافته به مراتب بیشتر از سایر کشورها است. بدین‌سان، باور عمومی بر آن است که مشارکت زنان روستایی، عامل اساسی و تعیین کننده در توسعه و رشد جامعه روستایی به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها تحولاتی در سیاست‌های توسعه روستایی در جهت زمینه‌سازی برای شکل‌گیری و حمایت از مشارکت‌های اقتصادی زنان صورت گرفته است و بسیاری از دولت‌ها را بر آن داشته است که با تأسیس نهادها و سازمان‌ها درصدد از بین بردن موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برآیند (موحدی و یعقوبی فرانی، ۱۳۹۱: ۲۳۱). بنابراین ایجاد تشکل‌ها و تعاونی‌ها برای زنان روستایی راهکار مناسبی برای اعتلا و رشد اقتصادی و اجتماعی آنان است، زیرا این تشکل‌ها افزون بر تولید و توزیع کالا و خدمات می‌توانند در بهبود شرایط اقتصادی خانواده‌های روستایی، ارتقایی سطح درآمد، برقراری عدالت اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی زنان نیز مؤثر باشد (پاریاب و همکارن، ۱۳۹۳: ۴۷).

در حقیقت، تشکل‌های روستایی به عنوان عوامل حمایت‌کننده و همراهی‌کننده و برانگیزاننده می‌توانند نقش مهمی در توانمند کردن زنان روستایی داشته باشد. در راستای تکمیل کارکرد تعاونی‌ها، نظام

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

صنفی کشاورزی به عنوان بهترین سازوکار مشارکت مردمی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب شود که توانایی ایجاد اشتغال و معیشت پایدار را برای اقشار آسیب‌پذیر و کم درآمد روستایی دارد. بنابراین می‌تواند منشأ کارآفرینی و توسعه در مناطق روستایی باشد و با افزایش اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت اقتصادی اعضای خود گام مؤثری در راستایی توسعه روستایی بردارد. بر این اساس در این مطالعه تلاش شده است تا ضمن بررسی ویژگی‌های مطلوب این تشکل مانند ارتقای سطح دانش و مهارت اعضا، تقویت روحیه گروهی، تأمین نیازهای معیشتی و حرفه‌ای روستاییان، شناخت فناوری‌های جدید، به روز شدن دانش اعضا، بالا بردن بهره‌وری و کارآیی و فراهم کردن امکانات و مواد اولیه تولید و در نهایت اشتغال‌زایی و افزایش تولید، همچنین نقش مدیریتی طرح‌های خوداشتغالی ارائه شده توسط نظام صنفی کشاورزی در حصول به هدف توانمندسازی زنان روستایی کارآفرین شهرستان محلات نیز مورد بررسی قرار گیرد. یکی از بخش‌های این تشکل، کمیته بانوان کارآفرین نظام صنفی کشاورزی است با ۱۱۳ عضو که در زمینه کشاورزی، پرورش طیور، امور دام، باغبانی، صنایع تبدیلی، شیلات و آبزیان فعالیت دارند.

۲) مبانی نظری

نگاهی به مطالعات گذشته نشان می‌دهد رویکردهایی که برای حل معضلات اقتصادی جهان سوم بکار گرفته شده، تا حدودی در تحقق اهداف خود ناکام مانده و یکی از دلایل آن، نادیده گرفتن کامل زنان و نقش آنها در تلاش برای پیشرفت و توسعه بوده است (Tesfy & Tadele, 2014: 1). از دهه ۱۹۷۰، مشارکت زنان در مسیر توسعه مطرح شد، در دو دهه اخیر، تغییرات و تحولات فراوانی باعث شده است جهان به سوی کاهش نابرابری جنسیتی پیش رود و آن را بخشی لاینفک از فرآیند توسعه بدانند. به علاوه، امروز بسیاری از کارشناسان معتقدند که توسعه کامل بدون مشارکت و دخالت تمامی گروه‌ها و افراد جامعه امکان پذیر نمی‌باشد (ده حقی و همکاران ، ۱۳۹۳: ۳). بنابراین تأکید بر توانمندی زنان از آنجایی حائز اهمیت است که در بیشتر موارد زنان مسئول کودکان و خانواده بوده و بدین ترتیب قدرت یافتن زنان در ابعاد وسیع تر به معنای تقویت جامعه است.

براساس نتایج آمار جهانی زنان مسئولیت ۶۰ تا ۸۰ درصد کارهای جهانی را بر عهده داشته و ۵۰ درصد غذا را تولید می‌کنند؛ علی‌رغم نقش بزرگی که ایفا می‌کنند، از مزایای اقتصادی محدودی برخوردار بوده و به منابع تولیدی چندانی دسترسی ندارند. توانمندسازی، دسترسی زنان به منابع و فرصت‌های اقتصادی را افزایش می-دهد. چنانچه دسترسی زنان به منابع تولیدی به اندازه‌ی مردان گردد، مشارکت زنان در حمایت از هدف اول پیشرفت هزاره در جهت ریشه‌کنی فقر و گرسنگی، کل گرسنگان را به ۱۲ تا ۱۷ درصد کاهش خواهد داد (Tesfy & Tadele, 2014: 1).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در طول تاریخ و در بسیاری از جوامع، عدم تساوی زنان و مردان محصول فرهنگی مردسالاری بوده است. این درحالی است که اگر به زنان فرصتی داده شود، آنان قادر به افزایش رشد فردی و اجتماعی هستند و حتی تجارب نشان داده است که زنان نسبت به مردان از نظر خود اشتغالی رشد سریع‌تری دارند؛ از این رو، توانمندی زنان کارآفرین توجه ویژه‌ای را طلب می‌کند. یکی از راه‌هایی که توسط آن می‌توان علاوه بر تسهیل دسترسی زنان به منابع تولید و افزایش درآمد آنان، مشارکت آنان در فعالیت‌های جمعی مربوط به توسعه را تسهیل نمود، فراهم آوردن امکان ایجاد تعاونی خاص زنان با مدیریت خود آن‌ها در جهت تقویت کارآفرینی است (منفرد، ۱۳۹۵: ۱۸). بنابراین ایجاد فضای مناسب در راستای توسعه طرح‌های خود اشتغالی از طریق تعاونی‌ها و تشکل-های خاص می‌توانند در توانمندسازی زنان روستایی و ارتقای درآمد آنان مؤثر واقع شود.

شرکت‌های تعاونی زنان نقش مهمی در بسیج منابع محدود برای کشاورزان و تولیدکنندگان زن ایفا می-کنند. بسیاری از شرکت‌های تعاونی سنتی ساختارهای حاکم را حفظ می‌کنند و برای مشارکت آزاد مساعد نیستند زیرا آنها اصولا توسط ساختار مردسالار کنترل می‌شوند. به منظور تجمیع اصلی جنسیت در توسعه روستایی، ارتقای مشارکت زنان در کارآفرینی مشارکتی مهم است، یک انتخاب بالقوه برای زنان روستایی این است که شرکت‌های تعاونی خودشان را تشکیل دهند. تأسیس شرکت‌های تعاونی با اعضای زن و یا مدیریت توسط زن پتانسیل قوی را برای پایداری اعمال می‌کند که موجب بهبود کارآفرینی زنان در بخش کشاورزی می-شود (Sanyang & Chi Hung, 2008: 674). بنابراین تعاونی جایگاه مناسبی است که می‌تواند روحیه کارآفرینی را در افراد تقویت کند و در شکوفایی ویژگی‌های مثبت آنان نقش بسزایی داشته باشند (رضایی، ۱۳۹۳: ۹۵). همچنین تعاونی‌ها دارای ساختاری مناسب برای آموزش و اشتغال زنان روستایی است و با توجه به اصولی که در این تشکل‌ها تعریف شده، می‌تواند منجر به خود کفایی زنان روستایی شود. توانمندسازی زنان فرآیندی پویاست که زنان را برای دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند و موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر آن‌ها می‌شود و عزت نفس زنان را افزایش می‌دهد یعنی موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از خودشان دارند (زمانی میاندشتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

تشکل‌هایی مانند تعاونی‌ها و نظام صنفی می‌توانند توانمندی زنان را جهت انتخاب آگاهانه افزایش می‌دهند و از میزان آسیب‌پذیری آنان بکاهد. بنابراین توانمندسازی، دسترسی زنان به منابع و فرصت‌های اقتصادی همچون شغل، خدمات مالی، اموال و سایر سرمایه‌های تولیدی، مهارت‌ها، پیشرفت و اطلاعات بازار را افزایش می‌دهد. افزایش نقش زنان در اقتصاد برای انعطاف‌پذیری و رشد اقتصادی حائز اهمیت است؛ البته، وارد شدن آنها در بخش رسمی همچنان با محدودیت دسترسی به اعتبار، مالکیت، فناوری و مهارت‌های فنی روبروست. میلیون‌ها زن از طریق تعاونی‌ها قادر به تغییر زندگی خود بوده‌اند، همچنین تعاونی‌ها در بهبود معیشت و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تصمیم‌گیری بهتر اقتصادی زنان نقش داشته‌اند با این حال آمار جهانی نشان می‌دهد که مشارکت زنان در انواع مختلف نهادها و انجمن‌ها پایین است که حضور در تعاونی‌های روستایی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

فشارهای اجتماعی در کشورهای در حال توسعه ایفای نقش فعال زنان در رهبری و بهبود استانداردهای زندگی آنها را با مشکل مواجه می‌کند (Tesfy & Tadele, 2014:3). با توجه به لزوم و اهمیت مقوله کارآفرینی به منظور رفع بحران بیکاری در کشور لازم است که به نظام اقتصادی و چشم انداز آینده، ساختارهای مناسب جهت توسعه کارآفرینی نیز به کارآفرینان معرفی گردد. یکی از مناسب‌ترین ساختارها و سازمان‌هایی که می-توانند کارآفرینان را در خود جای دهد و به سر منزل مقصود برسانند، بخش تعاونی است زیرا اکثر نیروهای بیکار جامعه فعلی ایران فاقد سرمایه کافی و در گردش است و برای ایجاد منبع درآمد و زمینه شغلی می‌توانند به بخش تعاون روی آورند (منفرد، ۱۳۹۵: ۲۰). باتوجه به نقش تعاونی‌ها در هدایت و حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه و همچنین اهمیت توانمندسازی زنان روستایی بررسی‌های گوناگونی در این زمینه انجام شده است که در زیر به بخشی از مطالعاتی که در زمینه انجام شده است، اشاره می‌شود:

رابطی (۱۳۸۰) و بوذرجمهری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش‌های خود به این نتایج دست یافته‌اند که متشکل کردن زنان در تعاونی‌ها رویکردی بسیار مطلوب برای بهره‌گیری از این قابلیت‌هاست و با تأسیس شرکت‌های تعاونی روستایی می‌توان زمینه مشارکت فعال زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی فراهم ساخته و باعث توانمندسازی آنان شود. گل محمدی و همکاران (۱۳۸۸)، موحدی نائینی (۱۳۸۳) در پژوهش‌های خود تشکیل تعاونی‌ها را ابزاری مناسب جهت پایداری روستا و افزایش نقش زنان در اقتصاد خانوار و جامعه می‌دانند. شعبانعلی فمی (۱۳۸۵)، کتابی و فرخی راستابی (۱۳۸۲)، صفری شالی (۱۳۸۷) در پژوهش‌های خود به این نکته اشاره دارند که مشارکت اجتماعی زنان در تعاونی‌ها، توانمندی آنان را در پی دارد و حذف باورهای سنتی و تغییر نگرش جامعه نسبت به زنان می‌تواند نقش مؤثری در افزایش توانمندی داشته باشد. ترکمانی عبدشاهی (۱۳۷۷)، پزشکی راد و کیان مهر (۱۳۸۰) و صدیقی و درویش نیا (۱۳۸۱) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که توانمندی اقتصادی اعضای شرکت تعاونی پس از عضویت در شرکت تعاونی افزایش پیدا کرده است. بندرز (۱۳۹۲) در پژوهش موردی خود به این نتیجه رسیده است که متغیر مدیریت مشارکتی در تعاونی مهم‌ترین عامل تأثیرگذاری بر توانمندسازی اعضاست. پاریاب و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش موردی خود به این نتیجه رسیده‌اندکه میزان رضایت اعضا از تعاونی و هئیت مدیره و میزان درآمد اعضا مهم‌ترین متغیر تأثیر گذار بر توانمندی اعضای تعاونی است. زمانی میاندشتی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به نتیجه دست یافته‌اند که ابعاد توانمندی اعضای تعاونی در چهار بعد توانمندی روانی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی – فرهنگی قابل تقسیم بندی است که رقم ابعاد روانی و اجتماعی- فرهنگی از سایر ابعاد توانمندی بیشتر بوده است. سعدی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نکته اشاره دارد که تقویت شاخص‌هایی که بر توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان مؤثر هستند، به ویژه شاخص‌های دسترسی به مواد اولیه و دانش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تخصصی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی به منظور افزایش توانمندی زنان مؤثر است. ده حقی و همکاران (۱۳۹۳)، نصیری (۱۳۸۹) و عطائی و زمانی میاندشتی (۱۳۹۰)، در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که میزان توانمندی اجتماعی زنان روستایی با عضویت در شرکت‌های تعاونی افزایش پیدا کرده است و نقش تعاونی‌ها در توانمندسازی افراد برای مقابله با فقر و بهبود کیفیت زندگی اعضا مثبت ارزیابی می‌کنند. بریمانی و همکاران (۱۳۹۱) نیک نامی و همکاران (۱۳۹) در پژوهش‌های خود به این نتیجه دست یافته‌اند که اعتبارات بانکی از طریق تعاونی‌ها در توانمند سازی زنان روستایی مؤثر بوده است. تسفی و تادی[1] (۲۰۱۳) در پژوهش موردی خود در اتیوپی ضمن معرفی تعاونی‌ها به عنوان راهبردی مناسب برای توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی به این نتیجه رسیده‌اند که زنان روستایی با پیوستن به تعاونی‌ها درآمد، منابع وام، تصمیم گیری مستقل و قدرت هزینه های خود را بهبود بخشیده‌اند. سان یانگ و هوانگ[2] (۲۰۰۸) در پژوهش خود ضمن اشاره به اینکه مناطق آسیایی و اقیانوس آرام محل سکونت بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان است و بیش از ۷۰ درصد جمعیت این منطقه در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و اصولا به کشاورزی اشتغال دارند؛ توانمندسازی زنان از طریق ترویج کارآفرینی در تعاونی‌های سبز را به عنوانی رویکردی مهم برای توسعه پایدار روستایی و کاهش فقر در این مناطق معرفی می‌کنند. پارکاش[3] (۲۰۰۳) تعاونی‌ها به ویژه تعاونی‌های کشاورزی را به عنوان سازمانی معرفی می‌کند که باعث سرعت بخشیدن به روند توسعه در مناطق روستایی و مشارکت زنان می‌شود. همچنین دارای پتانسیل بزرگی برای توانمندی زنان به ویژه زنان روستایی هستند. شهو حسین[4] (۲۰۱۴) تعاونی‌ها را به عنوان یک نهاد مؤثر برای مبارزه با فقر اقتصادی و نارسایی‌های اجتماعی در جوامع محلی معرفی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که شرکت‌های تعاونی نیجریه خدمات مورد نیاز محلی، اشتغال فراهم نموده و حس ارتباط و اتحاد اجتماعی ایجادکرده‌اند. ونیاما و همکاران[5] (۲۰۰۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده اند که تعاونی‌ها در آفریقا با بسیج منابع مالی و توزیع سرمایه و ایجاد اشتغال و درآمد به طور قابل توجهی باعث کاهش فقر در آفریقا شده‌اند. کریم و همکاران[6] (۲۰۱۲) در پژوهش موردی خود در نیجریه ضمن اشاره به این موضوع که نقش تعاونی‌ها در فرایند توسعه کشورهای کمتر توسعه یافته را نباید نادیده گرفت به این نتیجه رسیده اند که تعاونی‌ها باعث کاهش فقر در نیجریه و رفاه بیشتر اعضاء شده اند. اودلتا و همکاران[7] (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که انجمن های مشارکتی بر

[1] Tesfy & Tadele
[2] Sanyang & Chi Hung
[3] Prakash
[4] Shehu Hussain
[5] Wanyama & et al
[6] Kareem & et al
[7] Odetola & et al

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

رفاه اعضا و نقش انجمن مشارکتی در کاهش فقر تأثیر داشته است و شکل‌گیری سرمایه را نمی‌توان در فرآیند توسعه‌ی هر کشوری به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای همچون نیجریه نادیده گرفت.

بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که توانمندسازی زنان روستایی و عضویت در شرکت تعاونی‌ها رابطه‌ی تنگاتنگی با هم دارد. با توجه به اینکه تاکنون مطالعات چندانی در حیطه نقش مدیران در پروژه‌های کارآفرینانه در مناطق روستایی صورت نگرفته است. بنابراین پژوهش حاضر با درک اهمیت توانمندسازی زنان روستایی تلاش کرده است تا به تحلیل نقش مدیران پروژه‌های کارآفرینانه از طریق نظام صنفی کشاورزی در توانمندسازی زنان روستایی بپردازد. مدل مفهومی تحقیق در شکل (۱) به تصویر کشیده شده است.

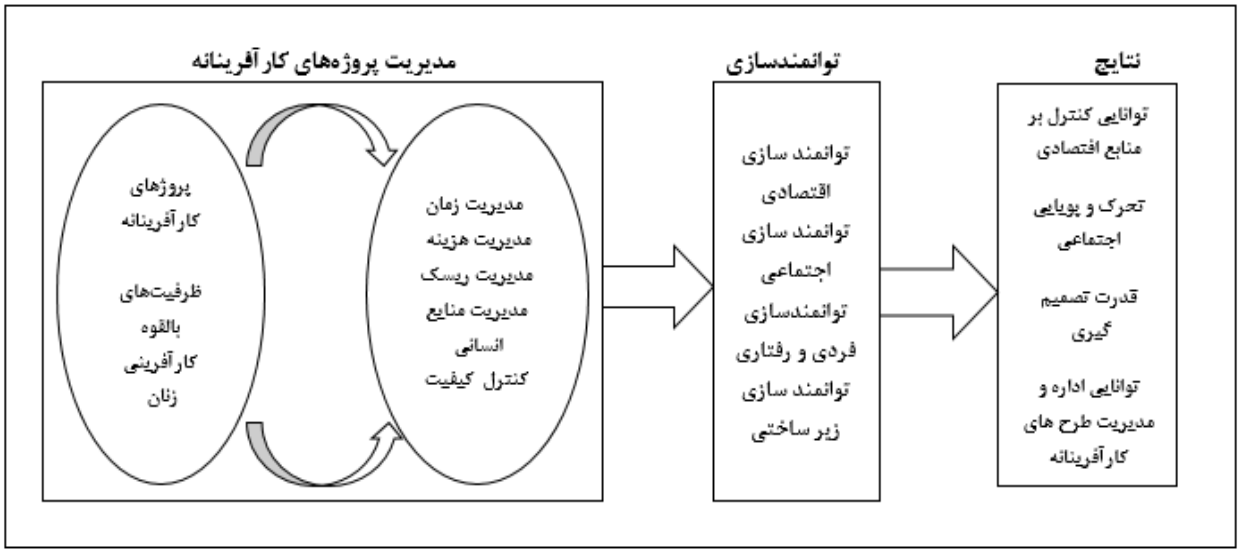

شکل شماره (۱): مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

۳) روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی – تحلیلی بوده و از نظر هدف کاربردی است. در پژوهش حاضر پس از مطالعه مبانی نظری و مطالعات انجام گرفته در زمینه نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در توانمندسازی زنان روستایی، متغیر وابسته توانمندسازی زنان روستایی و متغیر مستقل مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه تعریف گردید. برای متغیر مستقل شاخص‌های مدیریت هزینه در۴ گویه، شاخص مدیریت زمان با ۴ گویه، شاخص مدیریت ریسک با ۲ گویه، شاخص مدیریت منابع انسانی با ۴ گویه، شاخص مدیریت کیفیت با ۴ گویه و برای متغیر وابسته شاخص توانمندسازی اقتصادی با ۷ گویه، شاخص توانمندسازی اجتماعی با ۹ گویه، توانمندسازی رفتاری و فردی با ۶ گویه و توانمندسازی زیرساختی با ۳ گویه انتخاب گردید. در ادامه براساس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شاخص‌ها و گویه‌های مطالعه، پرسشنامه در قالب طیف پنج‌گانه لیکرت برای جمع آوری داده‌ها طراحی گردید جدول (۱).

جدول شماره (۱): شاخص‌ها و گویه‌های پژوهش

شاخص‌ها		گویه‌ها	مرجع
توانمندسازی زنان روستایی	توانمندسازی اقتصادی	بالابردن بهروری و کارآیی، سهولت دسترسی به بازار فروش، آشنایی با بازارهای جدید، درآمدزایی، اشتغالزایی، سرمایه‌گذاری، ارتباط با سایر تولید کنندگان و فروشندگان	پاریاب و همکاران،۱۳۹۳ میاندشتی و همکاران،۱۳۹۱ فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۲
	توانمندسازی اجتماعی	برگزاری کلاس آموزشی، کاهش تبعیض‌های جنسیتی، افزایش ارتباط و تعاملات، افزایش آگاهی سیاسی- اجتماعی، محتوای برنامه های آموزشی و ترویجی، تقویت روحیه کار گروهی، ارتقاء سطح مهارت، فراگیری آموزش ها و مهارت‌ها ، افزایش دانش یا هنر	بندرز، ۱۳۹۲ پاریاب و همکاران،۱۳۹۳ میاندشتی و همکاران،۱۳۹۱
	توانمندسازی رفتاری و فردی	شناخت حق و حقوق فردی، افزایش اعتماد به نفس، افزایش ریسک پذیری، میزان آزادی عمل برای تصمیم گیری، افزایش توانایی برای قبول مسئولیت، افزایش استقلال	پاریاب و همکاران،۱۳۹۳ میاندشتی و همکاران،۱۳۹۱
	توانمندسازی زیرساختی	فراهم آوردن امکانات فیزیکی، فراهم آوردن تسهیلات مالی و وام، فراهم آوردن امکانات و مواد اولیه	ابوالفتح زاده و همکاران، ۱۳۹۵ فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۲
مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه	مدیریت هزینه	برآورد هزینه، بودجه‌بندی هزینه، کنترل هزینه، مدیریت هزینه	فیضی،۱۳۸۴
	مدیریت زمان	برآورد منابع، برآورد زمان تحویل محصول، برنامه زمانبندی، تعیین توالی فعالیت‌ها،	فیضی،۱۳۸۴
	مدیریت ریسک	شناسایی ریسک های احتمالی، مدیریت ریسک های احتمالی،	فیضی،۱۳۸۴
	مدیریت منابع انسانی	انتخاب اعضاء و آزمون سنجش، شناخت منابع و نیاز اعضاء، اهرم‌های تشویقی و بازدارنده ، شناخت ویژگی‌ها و توانمندی اعضا	فیضی،۱۳۸۴
	مدیریت کیفیت	بازنگری در چرخه تولید، بررسی کیفیت محصولات، برنامه مدیریت کیفیت، موجودی مواد اولیه و کنترل کیفیت	فیضی،۱۳۸۴

به منظور سنجش روایی پرسشنامه، این گویه‌ها در اختیار اساتید و پژوهشگران متخصص در زمینه توانمندسازی زنان کارآفرین قرار گرفت. پس از اعمال نظرات متخصصان و اصلاحات لازم، پرسشنامه نهایی تهیه و جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش به کار گرفته شد. برای پایایی ابزار سنجش نیز از شیوهٔ پیش آزمون و محاسبه آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آلفای ۳۰ پرسشنامهٔ مقدماتی ۰/۹۶ به دست آمده است و ضریب مطلوبی برای پایایی پرسشنامه به‌شمار می‌رود. جامعه آماری شامل ۱۱۳ زنان کارآفرین عضو نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با میزان خطای ۰/۰۶ تعداد ۷۹ نفر انتخاب شد. برای بررسی وضعیت مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در مناطق روستایی تعداد ۸ پرسشنامه توسط هئیت مدیره نظام صنفی شهرستان محلات در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شروع فعالیت کمیته بانوان زنان کارآفرین در نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات از سال ۱۳۸۹ بوده که در شروع فعالیت تنها دارای۲ عضو بوده است. تعداد اعضای این کمیته در سال ۱۳۹۵ به ۱۱۳ عضو رسیده است که هم اکنون در زمینه کشاورزی، پرورش طیور، امور دام، باغبانی، صنایع تبدیلی، شیلات و آبزیان در دو دهستان شهرستان محلات (خورهه و باقرآباد) فعالیت دارند. شکل شماره (۲)، موقعیت این شهرستان را نشان می‌دهد. با توجه به این نمونه کار مشابهی در داخل و خارج از کشور پیرامون موضوع تحقیق انجام نشده است؛ بدین‌سان برای رسیدن به شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق و نهایتا مدل مفهومی از مطالعات اسنادی استفاده گردید و با توجه مطالعات اکتشافی و نظر اساتید و صاحب‌نظران این حوزه، روایی پرسشنامه، متغیرها و شاخص‌ها اثبات گردید. برای بررسی و تحلیل اثرگذاری مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه بر توانمندسازی زنان روستایی از روش‌های آماری پارامتریک مانند تی تک نمونه‌ای مستقل،همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره با توجه به اثبات توزیع نرمال داده‌ها از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنوف، استفاده گردید.

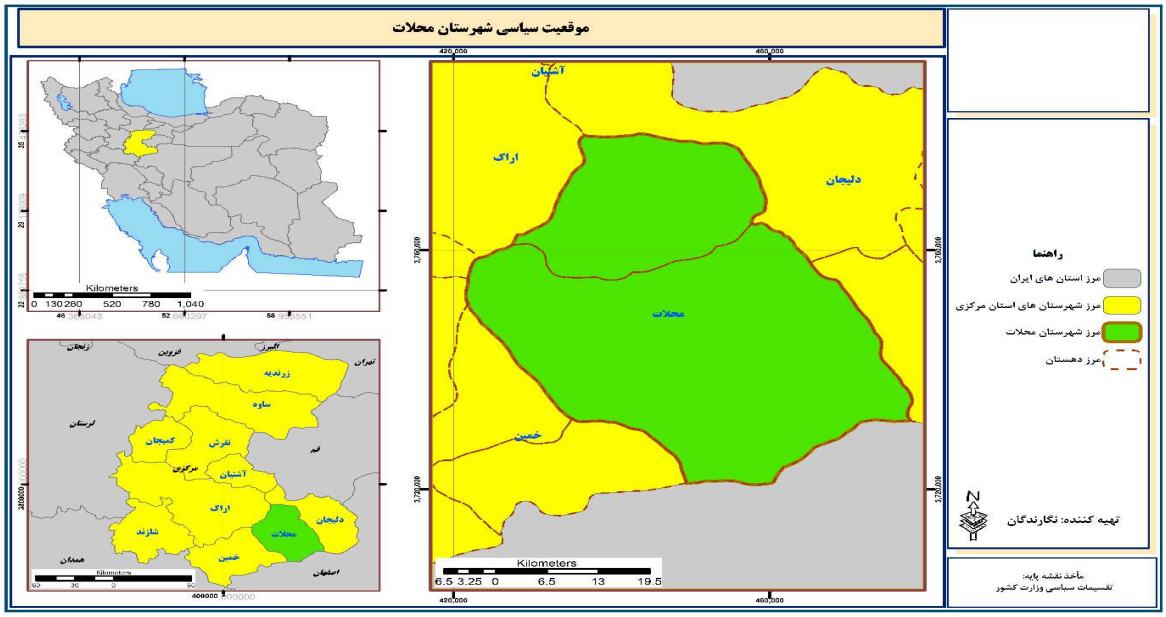

شکل شماره (۲): موقعیت شهرستان محلات

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۵

۴) یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی مطالعه نشان می‌دهدکه از مجموع پاسخ دهندگان به پرسشنامه‌ها ۱۱/۴ درصد مجرد و ۸۷/۱ در صد متأهل بوده‌اند. همچنین از مجموع پاسخ دهندگان، ۲۲/۹ درصد افراد بیسواد، ۱۵/۷ درصد افراد ابتدایی، ۳۲/۹ درصد افراد راهنمایی، ۱۵/۷ درصد افراد دیپلم و ۱۲/۹ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

همچنین ۶۸/۶ درصد از زنان کارآفرین در حوزه کشاورزی و ۳۱/۴ درصد در حوزه غیرکشاورزی مشغول به فعالیت بوده‌اند که به طور میانگین دارای ۱۷ ماه سابقه عضویت در نظام صنفی کشاورزی بوده‌اند.

برای بررسی وضعیت میزان توانمندی زنان روستایی با توجه به نرمال بودن شاخص‌های توانمندسازی (میزان معناداری حاصل از آزمون کولوموگراف اسمیرنوف برای شاخص‌های تواتمندسازی اقتصادی۰/۶۲۲، توانمندسازی اجتماعی ۰/۷۱۸، توانمندسازی فردی و رفتاری ۰/۹۰۸ و توانمندسازی زیرساختی۰/۹۰۱) از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. میانگین محاسبه شده‌ی شاخص‌های توانمندسازی با میانگین فرضی (۳) سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان از ۳ کوچکتر و در حد متوسط به پایین است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده برای این شاخص‌ها به جز شاخص توانمندی فردی و رفتاری که بیشتر از ۰/۰۵ است این شاخص‌ها معنادار بوده و قابل تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین حد بالا و پایین شاخص‌های میزان توانمندی اقتصادی، اجتماعی و توانمندسازی زیرساختی، منفی بوده که می‌توان گفت شاخص‌ها در وضعیت مناسبی قرار نگرفته است.

در شاخص توانمندسازی فردی و رفتاری حد بالا و پایین یکی مثبت و یکی منفی است، بدین معنا که میانگین جامعه در شاخص توانمندسازی فردی و رفتاری تقریبا برابر مقدار مورد آزمون بوده است. با توجه به اینکه میانگین تمام شاخص‌های توانمندسازی کمتر از مقدار آزمون شده و در شاخص توانمندسازی فردی و رفتاری تقریبا برابر آن شده است و این نتیجه گویای این است که شاخص‌های توانمندسازی در وضعیت مناسبی قرار نگرفته و لزوم توجه جدی به این شاخص‌ها از سوی کارشناسان و مسئولان مطرح می‌گردد (جدول ۲).

جدول شماره (۲): بررسی وضعیت میزان توانمندسازی زنان روستایی (آزمون T تک نمونه‌ای)

متغیرهای تحقیق	آماره تی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	95% Confidence Interval of the Difference	
							Lower	Upper
توانمندسازی اقتصادی	-۵/۱۷۱	۲/۴۱	۰/۹۳۹	۷۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۸۰	-۰/۸۰۴	-۰/۳۵۶
توانمندسازی اجتماعی	-۵/۹۰۶	۲/۴۱	۰/۸۲۷	۷۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۸۴	-۰/۷۸۱	-۰/۳۸۶
تواتمندسازی فردی و رفتاری	۰/۰۹۳	۳/۰۱	۱/۰۶۷	۷۸	۰/۹۲۶	۰/۰۱۱	-۰/۲۴۲	۰/۲۶۶
توانمندسازی زیرساختی	-۴/۱۲۸	۲/۴۸	۱/۰۵۲	۷۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۱۹	-۰/۷۶۹	-۰/۲۶۸
توانمندسازی	-۴/۶۰۴	۲/۵۵	۰/۸۰۵	۷۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۴۳	-۰/۶۳۵	-۰/۲۵۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

برای بررسی وضعیت شاخص‌های مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه با توجه به نرمال بودن شاخص‌ها (میزان معناداری حاصل از آزمون کولوموگراف اسمیرنوف برای شاخص‌های مدیریت هزینه ۰/۹۰۱، مدیریت زمان ۰/۸۶۹ ، مدیریت ریسک۱/۰۹، مدیریت منابع انسانی ۰/۸۱۰، مدیریت کیفیت ۰/۸۶۰و مدیریت پروژه ۰/۵۷۰)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. میانگین محاسبه شده‌ی شاخص‌های مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه با میانگین فرضی (۳) سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان از ۳ کوچکتر و در حد متوسط به پایین است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده شاخص‌های مدیریت پروژه معنادار بوده و قابل تعمیم به کل جامعه را دارد. با توجه به اینکه میانگین تمام شاخص‌های مدیریت پروژه کمتر از مقدار آزمون شده و در شاخص‌های مدیریت ریسک، منابع انسانی و مدیریت کیفیت تقریبا برابر آن شده است و این نتیجه گویای این است که شاخص‌های مدیریت پروژه در وضعیت مناسبی قرار نگرفته و بنابراین لزوم توجه جدی به این شاخص‌ها از سوی کارشناسان و مسئولان مطرح می‌گردد (جدول ۳).

جدول شماره (۳): بررسی وضعیت شاخص‌های مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه (آزمون Tتک نمونه‌ای)

متغیرهای تحقیق	آماره تی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	95% Confidence Interval of the Difference	
							Lower	Upper
مدیریت هزینه	۲۰/۸	۲/۵۲	۱/۰۱	۷۸	۰/۰۰۰	۲/۵۲۸	۲/۲۸۷	۲/۷۷۰
مدیریت زمان	۲۵/۵	۲/۸۷	۰/۹۴	۷۸	۰/۰۰۰	۲/۸۷۱	۲/۶۴۶	۳/۰۹۶
مدیریت ریسک	۲۶/۷۳	۳/۰۶	۰/۹۵	۷۸	۰/۰۰۰	۳/۰۶۴	۲/۸۳۵	۳/۲۹۳
مدیریت منابع انسانی	۲۳/۵۷	۳/۰۱	۱/۱۱	۷۸	۰/۰۰۰	۳/۱۲۸	۲/۸۶۳	۳/۳۹۳
مدیریت کیفیت	۲۵/۵۵	۳/۰۶	۱/۰۰	۷۸	۰/۰۰۰	۳/۰۶۵	۳/۸۲۶	۳/۳۰۵
مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه	۲۸/۱۹	۲/۹۴	۰/۸۷۳	۷۸	۰/۰۰۰	۲/۹۴۴	۲/۷۳۵	۳/۱۵۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

به منظور بررسی وجود رابطه بین متغیر وابسته (توانمندسازی زنان روستایی) و متغیر مستقل (مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه) از آزمون همبستگی استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود توانمندسازی اقتصادی با آماره پیرسون ۰/۶۵۳و توانمندسازی اجتماعی با آماره پیرسون ۰/۶۸۶ و توانمندسازی فردی و رفتاری با آماره پیرسون ۰/۷۴۱و توانمندسازی زیرساختی با آماره پیرسون ۰/۶۳۳ و توانمندسازی با آماره پیرسون ۰/۷۹۶ با متغیر مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه دارای رابطه‌ای مستقیم با شدتی قوی بوده است؛ بدین معنا که هرچه نقش مدیریت پروژه‌های‌کارآفرینانه افزایش یابد، توانمندی زنان کارآفرین نیز بیشتر خواهد شد. با توجه به میزان معناداری به دست آمده، بین شاخص‌های توانمندسازی با متغیر مدیریت پروژه رابطه‌ی معناداری وجود دارد و قابلیت تعمیم به کل جامعه را داردکه گویای این واقعیت است که بررسی رابطه بین متغیرهای توانمندسازی و مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در منطقه مورد مطالعه با اطمینان ۹۵ درصد تصادفی نیست.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۴): رابطه مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه با توانمندسازی زنان روستایی

		توانمندسازی اقتصادی	توانمندسازی اجتماعی	توانمندسازی فردی و رفتاری	توانمندسازی زیرساختی	توانمندسازی
مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه	پیرسون	۰/۶۵۳	۰/۶۸۶	۰/۷۴۱	۰/۶۳۳	۰/۷۹۶
	میزان معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

به منظور بررسی اثر «مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در توانمندسازی زنان روستایی» از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. در رگرسیون متغیر مستقل، مدیریت و متغیر وابسته، توانمندسازی است. همان‌گونه که در جدول (۵) مشخص است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با۰/۷۱۶ است که حاکی از توانایی بالای ابعاد متغیر مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته بوده است یعنی متغیر مستقل ۷۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند و مابقی این تغییرات (۲۹ درصد) که به مجذور کمیت خطا معروف است؛ تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل است. همچنین مقدار دوربین واتسون برابر با ۲/۱۹۰ است که حاکی از مستقل بودن باقیمانده ها از هم است.

جدول شماره (۵): مقدار همبستگی، ضریب تعیین تعدیل شده و خطای استاندارد برآورد

مقدار همبستگی	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	دوربین واتسون
۰/۸۸۵	۰/۷۱۶	۰/۴۲۹	۲/۱۹۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

همان‌گونه که در جدول (۶) مشخص است مقدار رگرسیون برای این مدل برابر است با ۳۲۱/۴۱ و مقدار باقی‌مانده برابر با ۸/ ۱۱و چون مقدار مجذورات باقی‌مانده کوچکتر از مجموع مجذورات رگرسیون است، نشان دهنده‌ی قدرت تبیین بالای مدل در توضیح تغییرات متغیر وابسته است. در این مدل مقدار F برابر با ۳۵/۷ است و میزان معناداری آن هم برابر با ۰/۰۰ است که کوچک‌تر از ۰/۰۵و معنادار است به این معنی که ابعاد متغیر مستقل قادر است به خوبی تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهد؛ بنابراین فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم معنی داری مدل رگرسیون با اطمینان ۹۹٪ رد می‌شود.

جدول شماره(۶): مجموع مربعات، درجه آزادی، میانگین مربعات و سطح معناداری رگرسیون

	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۲/۴۱۷	۵	۶/۵۹۸	۳۵/۷۶۲	۰.۰۰۰
باقی‌مانده	۱۱/۸۰۸	۷۴	۰/۰۲۴		
مجموع	۴۴/۷۹۸	۷۹			

مأخذ: یافته‌های پژوهش،۱۳۹۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

بزرگ بودن مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته است. با توجه به آنچه که در جدول (۷) نشان داده شده است، مدیریت هزینه و منابع انسانی بر دارای بیشترین اثر بر متغیر توانمندسازی بوده و با توجه به ضریب بتا، مدیریت هزینه (B = 0.492) تأثیر بیشتری نسبت به منابع انسانی بروی متغیر وابسته داشته است. بنابراین بزرگتر بودن مقدار بتا نشان دهنده اهمیت نسبی مدیریت هزینه در تواتمندسازی زنان کارآفرین است.

جدول شماره (۷): ضریب رگرسیون استاندارد نشده و شده، آماره تی و سطح معناداری رگرسیون

	ضریب رگرسیون استاندارد نشده	ضریب رگرسیون استاندارد شده(بتا)	آماره تی	میزان معناداری
ضریب ثابت	۰/۴۳۹		۲/۶۴	۰/۰۱۰
مدیریت هزینه	۰/۴۹۲	۰/۶۱۹	۶/۱۰	۰/۰۰۰
مدیریت زمان	۰/۱۱۱	۰/۱۳۰	۱/۱۲۸	۰/۲۶۳
مدیریت ریسک	۰/۰۱۸	۰/۰۲۲	۰/۱۶۹	۰/۸۶۶
مدیریت منابع انسانی	۰/۱۵۸	۰/۲۱۸	۲/۳۳	۰/۰۲۳
مدیریت کیفیت	-۰/۰۱۷	-۰/۰۲۱	-۰/۱۵	۰/۰۸۷۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

برای بررسی وضعیت شاخص‌های مدیریت پروژه با توجه به نرمال بودن شاخص‌ها مدیریت پروژه (میزان معناداری حاصل از آزمون کولوموگراف اسمیرنوف برای شاخص‌های مدیریت هزینه ۰/۰۵۴۳، مدیریت زمان ۰/۷۲۲ مدیریت ریسک ۰/۸۷۵ مدیریت منابع انسانی ۰/۸۲۲ مدیریت کیفیت ۰/۶۹۵) از آزمون T تک نمونه ای استفاده شده است. با توجه به اینکه میانگین محاسبه شده‌ی شاخص‌های مدیریت پروژه با میانگین فرضی (۳) سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان از ۳ بزرگتر و در حد متوسط به بالا است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده برای این شاخص‌ها تمام شاخص‌های مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه معنادار بوده و قابل تعمیم به کل جامعه را دارد. همچنین حد بالا و پایین شاخص‌ها مثبت بوده است بدین معنی که میانگین جامعه در این شاخص‌ها بیشتر از مقدار مورد آزمون است. بدین‌سان می‌توان گفت که شاخص‌های مدیریت پروژه از دیدگاه هئیت مدیره نظام صنفی در وضعیت مناسبی قرار گرفته است (جدول۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۸): بررسی وضعیت شاخص‌های مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه (آزمون Tتک نمونه‌ای)

متغیرهای تحقیق	آماره تی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	95% Confidence Interval of the Difference	
							Lower	Upper
مدیریت هزینه	۱۷/۳۰۳	۳/۸۱	۰/۶۲۳	۷	۰/۰۰۰	۳/۸۱	۳/۲۹۱	۴/۳۳۳
مدیریت زمان	۲۵/۸۴۳	۳/۸۱	۰/۴۷۱	۷	۰/۰۰۰	۳/۸۱	۳/۴۶۳	۴/۱۶۱
مدیریت ریسک	۱۶/۵۵۸	۳/۸۱	۰/۶۵۱	۷	۰/۰۰۰	۳/۸۱	۳/۲۸۶	۴/۳۵۶
مدیریت منابع انسانی	۱۸/۹۶۳	۳/۹۱	۰/۵۸۴	۷	۰/۰۰۰	۳/۹۱	۳/۳۴۲	۴/۴۰۵
مدیریت کیفیت	۳۳/۶۷۵	۴/۵۰	۰/۳۷۷	۷	۰/۰۰۰	۴/۵۰	۴/۱۸۴	۴/۸۱۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

۵) نتیجه‌گیری

مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف در راستای توسعه روستایی نقش مؤثری دارد، از این رو، زنان روستایی باید در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند. یکی از راهکارهای مناسب در جهت بکارگیری مشارکت زنان، ایجاد تشکل‌های و تعاونی‌های مخصوص زنان است که امکان یکپارچه کردن منابع انسانی و ایجاد اشتغال و درآمد و همچنین توانمندسازی را در ابعاد مختلف فراهم می‌کنند. هدف از انجام این پژوهش بررسی نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه (طرح های خوداشتغالی) در توانمندی زنان روستایی شهرستان محلات بوده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که هرچه نقش مدیریت پروژه‌های‌کارآفرینانه افزایش یابد توانمندسازی زنان روستایی نیز بیشتر خواهد نتایج به دست آمده از نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در توانمندی زنان روستایی با یافته‌های پاریاب و همکاران (۱۳۹۲)، عطایی و زمانی میاندشتی(۱۳۹۰)، میاندشتی و همکاران (۱۳۹۲)، نصیری (۱۳۸۹)، سالاری (۱۳۸۸)، شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۵)، مشابهت دارد. نتایج بررسی وضعیت میزان توانمندی زنان کارآفرین نشان می‌دهد که میانگین تمام شاخص‌های توانمندسازی کمتر از مقدار آزمون شده و در شاخص توانمندسازی فردی و رفتاری تقریبا برابر آن شده است و گویای این است که شاخص‌های توانمندسازی در وضعیت مناسبی قرار نگرفته و بنابراین لزوم توجه جدی به این شاخص‌ها از سوی کارشناسان و مسئولان مطرح می‌گردد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که مدیریت هزینه و مدیریت منابع انسانی بیشترین نقش را برتوانمندسازی اعضا دارد و با توجه به ضریب بتا، مدیریت هزینه (B = 0.492) تأثیر بیشتری نسبت به منابع انسانی بروی توانمندسازی اعضا دارد. همچنین نتایج بررسی وضعیت شاخص‌های مدیریت پروژه از دیدگاه مدیران حاکی از آن است تمام شاخص‌های مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه معنادار بوده و قابل تعمیم به کل جامعه را دارد. باتوجه به اینکه زنان روستایی فعال در نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات در شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و زیر ساختی در وضعیت مناسبی قرار ندارد، از این رو پیشنهاد می‌گردد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- ❖ در زمینه توانمندسازی اقتصادی از طریق افزایش تسهیلات مالی و ایجاد صندوق‌های حمایت از تعاونی زنان و فراهم نمودن فرصت ارائه محصولات در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها برای پیوند به بازارهای جدید؛
- ❖ در زمینه توانمندسازی اجتماعی شناساندن استعداد و توانایی‌ها، ارتقاء سطح مهارت، تشویق به مشارکت واقعی زنان در تعاونی‌ها و همچنین تقویت گار گروهی؛
- ❖ در زمینه شاخص‌های زیر ساختی از طریق فراهم نمودن امکانات فیزیکی و مواد اولیه می‌تواند یه عنوان گامی مؤثر در جهت توانمندسازی زنان کارآفرین باشد.
- ❖ با استفاده از برنامه‌های ترویجی به شناسایی نیاز و فرصت‌های اعضا پرداخته شود و با برگزاری کلاس‌های آموزشی به افزایش آگاهی و توانایی‌های اعضا اقدام شود.
- ❖ تقویت فرآیند مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در مناطق روستایی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و تدوین روش‌ها برای مدیران در زمینه‌های مرتبط با مدیریت پروژه در مناطق روستایی می‌تواند به عنوان گامی مناسب در جهت تواتمندسازی زنان و افزیش طرح‌های خود اشتغالی در مناطق روستایی باشد.

۶) منابع

- ابوالفتح زاده، زهرا، علی یوسفی و امیر مظفر امینی، (۱۳۹۵). **ارزیابی عوامل مؤثر در توانمندسازی زنان روستایی شهرستان اصفهان**، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،سال هفتم،شماره۱ : ۲۷-۱.
- بریمانی، فرامرز، زهرا نیک منش و سهیلا خداوردی لو، (۱۳۹۱). **بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱: ۸۲- ۶۹.
- بندرز، زینب، (۱۳۹۲). **شناسایی عوامل اجتماعی – فرهنگی مؤثر توانمندسازی اعضاء تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام**، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ششم، شماره ۳: ۷۷-۶۳.
- بوذرجمهری، خدیجه، مریم قاسمی و الهام شجاعی مقدم، (۱۳۹۳). **بررسی اثر شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در توانمندسازی اجتماعی اعضاء**، همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد.
- پاریاب، جابر، ناصر زمانی میاندشتی، غلامرضا پزشکی راد و حبیبه جمالی، (۱۳۹۳). **نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس (مطالعه موردی: تعاونی روستایی زنان همایجان سپیدان)**، پژوهش‌های روستایی، سال یکم، شماره ۱: ۷۰-۴۵
- پزشکی راد، غلامرضا و حمید کیان مهر، (۱۳۸۰). **نقش شرکت‌های تعاونی روستایی در بهبود وضعیت فنی و اقتصادی کشاورزان گندم کار شهرستان سبزوار**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۹، شماره ۳۴: ۳۹۰-۳۴۳.
- ترکمانی، جواد و عباس عبدشاهی، (۱۳۷۷). **بررسی اقتصادی طرح محوری گندم: مطالعه موردی استان فارس**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ششم، شماره ۲۱: ۲۹-۷.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- ده حقی، سمیه، محمد چیذری و حسن صدیقی، (۱۳۹۳). **نقش تعاونی‌های کشاورزی در توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی**، مجله تعاون و کشاورزی، سال سوم، شماره ۱۱: ۲۳-۱.

- رابطی، رئوف، (۱۳۸۰). **تعاونی‌ها رویکردی برای گسترش فعالیت زنان در جامعه**، ماهنامه تعاون، شماره ۱۱۹، ۲۳-۲۰.

- رضایی، روح اله، (۱۳۹۳). **بررسی نقش و جایگاه کارآفرینی در توسعه تعاونی‌های روستایی**، نشریه کارآفرینی در کشاورزی ، شماره اول: ۱۰۲-۸۵.

- زمانی میاندشتی، ناصر، پوریا عطائی و نسیم ایزدی، (۱۳۹۱). **بررسی سطوح و میزان توانمندی در بین اعضای تعاونی زنان روستایی (مورد مطالعه: تعاونی زنان تفهان شهرستان شیراز**، مجله زن در توسعه و سیاست، شماره ۴: ۱۷۲-۱۵۳.

- سالاری، لیلا، (۱۳۸۸). **ارزشیابی اثربخشی طرح تسهیلگری توسعه روستایی در راستای توانمندسازی زنان مورد مطالعه: شهرستان مرودشت**، پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.

- سعدی، حشمت اله، حسین شبانعلی فمی، و سمیه لطیفی، (۱۳۹۱). **سنجش میزان توانمدی اقتصادی و اجتماعی زنان قالیباف روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی استان همدان)**، زن در توسعه و سیاست، شماره ۲،: ۱۲۶-۱۰۷.

- شعبانعلی فمی، حسین، شهلا چوبچیان، معصومه رحیم زاده و فاطمه رسولی، (۱۳۸۵). **شناخت و تحلیل سازه‌های موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران**، مطالعات زنان، شماره۲ : ۱۰۹-۸۹ .

- صدیقی، حسن و علی اصغر درویش نیا، (۱۳۸۱). **بررسی میزان موفقیت شرکت‌های تعاونی تولید روستایی استان مازندران**، مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۲: ۳۲۳-۳۱۳.

- صفری شالی، رضا، (۱۳۸۷). **عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی**، فصلنامه پژوهش زنان،شماره ۱: ۱۵۹-۱۳۷.

- صیدایی، سید اسکندر و حجت اله صادقی، (۱۳۹۳). **کارآفرینی و برنامه ریزی توسعه روستایی**، نشر دارخوین، اصفهان.

- عطائی، پوریا و زمانی میاندشتی، ناصر، (۱۳۹۰). **نقش تعاونی زنان روستایی در توانمندسازی اعضا**، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۳: ۴۴۴-۴۳۳.

- فال سلیمان، محمود، جواد میکانیکی، حجت اله صادقی و عالیه دزگی، (۱۳۹۲). **بررسی نقش شرکت‌های تعاونی روستایی زنان در وضعیت اقتصادی و اجتماعی اعضا (مطالعه موردی شرکت‌های تعاونی خوسف و خراشاد در استان خراسان جنوبی)**، برنامه ریزی فضایی،سال سوم، شماره۴: ۱۱۶-۹۵.

- فیضی، محسن، (۱۳۸۴). **کاربرد استاندارد PMBOK برای ارزیابی عمکلرد مدیران پروژه‌ها**، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت پروژه، ۱۵-۱.

- کتابی، محمود و فرخی راستابی، زهرا، (۱۳۸۲). **توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه**، مجله پژوهش زنان، شماره ۷ : ۵-۳.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- گل محمدی، فرهود، محمد کریم معتمد و گلین رخشانی پور، (۱۳۸۸). **نگاهی بر اهمیت و کارکرد شرکت‌های تعاونی در افزایش بهره‌وری و توانمندسازی زنان روستایی با تأکید بر خراسان جنوبی**، اولین همایش ملی الگوی مصرف با محوریت منابع طبیعی، کشاورزی و دامپزشکی.
- منفرد، نوذر، (۱۳۹۵). **زمینه‌یابی تشکیل تعاونی‌های زنان و بررسی مشکلات حضور زنان در تعاونی‌ها (مورد مطالعه: استان بوشهر**، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، شماره۱ :۲۳- ۱۷.
- موحدی نائینی، سید عبدالحمید، (۱۳۸۳). **نقش تعاونی‌ها در ایجاد اشتغال برای زنان**، فصلنامه تعاون، شماره ۱۵۷: ۵۳-۵۰.
- موحدی، رضا و احمد یقوبی فرانی، (۱۳۹۱). **درآمدی بر کارآفرینی روستایی**. همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- نصیری، اسماعیل، (۱۳۸۹). **آثار تشکیل تعاونی‌های تولیدی کشاورزی بر بهبود شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی اعضا: مطالعه موردی روستاهای شهرستان زنجان**، روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۳: ۱۴۵-۱۲۷.
- نیک نامی، مهرداد، زینب بندرز، و داود ثمری، (۱۳۹۱). **عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی-های روستایی زنان ایلام**، تعاون و کشاورزی،شماره ۱۱: ۵۹-۴۱.

- Kareem, R. O, Arigbadu, Y., Akintaro, J.A., & Badmus, M.A. (2012).**The Impact of Co-Opertive Society on Capital Formation (A Case Study of Temidere Co-Opertive Soeity, Ijebu – Ode, Ogun State, Nigeria).** Global World Journal Science Frontier Research Agricultural and Veterinary Science, 12(11):16-29.
- Odetola, S.K., Awoyemi, T. T., & Ajijola, S. (2015). **Impact of Cooperative Society on Fish Farming Comercialization in Lagos State, Nigeria**. African Journal of Agricultural Research, 10(18): 1982-1988.
- Parkash, D. (2003). **Rural Woman, Food Security and Agricultural Cooperatives**. Rural Development and Management Center. The Saryu, J-102 kalkaji, New Delhi 110019, India.1-15.
- Sanyang, E.S., Chi Hung, W. (2008). **Green Cooperatives: A Strategic Approach Developing Woman's Entrepreneurship in the Asian and Pacific Region**. World Journal of Agricultural Science, 4(6): 674-684.
- Shehu Hussain, M. (2014). **The Role of Cooperative Organizations in Rural Community Development in Nigeria Prospects and Challenge**. Academic Research International, 5(3): 189-197.
- Tesfy, A., Tadele, H. (2013). **The Role of Cooperative in Promoting Socio-Economic Empowerment of Woman: Evidence from Multipurpose Cooperative Societies in South-Eastern Zone of Tigtay, Ethiopia**. International of Community Development, 1(1): 1-11.
- Wanyama, F. O., Develtere, P., & Pollet, I. (2008). **Encountering the Evidence: Co-Opertives and Poverty Reduction in Africa.** Working Paper on Social and Co-Opertive Entrepreneurship, 1-17. S.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]